

مجله موسیقی

از انتشارات هنرهای زیبای کشور

شماره

۸۷

دوره سوم

اردیبهشت ۱۳۴۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
خسرو و ریدک
یا

دانشنامه‌ای از فرهنگ و هنر ساسانی

معرفی :

کتاب «خسرو و قبادی ریدک» تنها گزارش پهلوی است که از دوره
زرین موسیقی ساسانی - عهد باربد - بیادگار مانده، و درعین حال کاملترین

۱ - نگاه به مقدمه : ص ۴

منبع دست اولی بشمار میآید که برای شناخت ذوق، هنر، و فرهنگ پیش از اسلام در دست میباشد.

کتاب، در نخستین جمله، به پیروی از عقاید جاری جامعه، اهمیت دودمان ریدک را یادآور میگردد: این دودمان که قبادی معرفی شده (چه : نسب خود را به قباد پهلوان حماسی می‌رساند) ظاهراً عنوان ویسپوهری داشت^۱ که از عناوین برجسته ملی بشمار میآید.

(تذکر این مطلب برای توجیه پرورش پسرک یتیم، و شناخت جنبه اشرافی فرهنگ در سده های میانه ضروری بنظر میرسید. چه از اینجامیتوان پی برد که تحصیل در «فرهنگستان» اختصاص به بزرگزادگان یعنی فرزندان طبقات برگزیده داشت. چنانکه معلوم است این رسم اجتماعی در دوره اسلامی نیز فراموش نشده بود؛ و تا سده های اخیر با سواد های جامعه، عنوان میرزا، یا میرزاده داشتند.)

پس از آن ریدک در حضور خسرو از دوران فرهنگستان (= مکتب) و هنرآموزی خود سخن میگوید و در این خلال اطلاعات سودمندی از نظر کیفیت آموزش و پرورش ایرانی، ارائه میدهد، بطوریکه بر طبق آن میتوان فهرست کامل مواد درسی و برنامه کار فرهنگستانها را تنظیم نمود.

این کار بخصوص برای بررسی خصوصیات مستقل دوره وسطای ایران و ارزیابی جنبه های مرقی آن نهایت ضرورت را خواهد داشت.

بطور کلی میتوان گفت، سیاست مذهبی وجه اشتراك میان قرون وسطای ایران و غرب است: گذشته از قیام اردشیر که خود از خاندان روحانی (نگهبان معبد آناهیت پارس) بود، کتیبه کرتیر موبد مقتدر زرتشتی، در کنار کتیبه

۱ - « نلدکه öaldeke ثابت کرده است (Geschichte der Perser...)

که اسامی مأخوذ از تاریخ داستانی در عهد کواز (= قباد) اول پادشاه ساسانی در خاندانهای بزرگ استعمال عمومی پیدا کرده بود. خود کواز که در وسط قرن پنجم میلادی ولادت یافته بود موسوم به اسم اولین کوی یعنی کوات است. « کیانیان، کریستنسن ص ۶۳ و ۶۴.

۲ - در سراسر کشور فقط ۷ دودمان بزرگ (کلرن، سورن ...) از این عنوان موروثی برخوردار بودند.

بنیان گذار سلسله ساسانی نشانه‌ای از تحول در روح زمان - اتحاد دین و دولت - است که در سراسر دوره پانصد ساله بقوت خویش باقی بود . و از اینروست که مشاهده میشود در پایان سده ششم میلادی، متون مذهبی در رأس برنامه فرهنگستان قرار گرفته است.

اما از این يك نکته که بگذریم، سایر موضوعها و هنرآموزیها حکایت از دوره پررونقی میکنند که بارکود فرهنگی در قرون وسطای غرب قابل تطبیق نیست .

يك نگاه سطحی بفهرست این مسأله را بخوبی روشن میکند :

۱ - دبیری : یا خواندن و نوشتن و آشنائی با رسم خط های معمول.

۲ - کارنامه : (تاریخ) که شامل داستان زندگی شخصیت های تاریخی

میشد .

۳ - کمان‌وری (Archery) ، اسواری (Chivalry) که بانیزه‌وری

از آموزشهای نظامی محسوب میشود .

۴ - سرود (: شعر) چکامه (Ballad) ، هماوازی با موسیقی ، نواختن

چنگ و دیگر سازها .

۵ - ستاره شناسی (Astronomy) اختر شناسی (Astrology)

علوم متداول دوره وسطی .

۶ - شطرنج و نرد و چند بازی دیگر که جنبه هوش آزمائی داشت .

به این فهرست دانش عمومی را در زمینه های گوناگون باید اضافه

نمود : شناسائی گلها ، میوه ها ، انواع خوراکیها ، باده ها ... و خلاصه همه

آفریده های خوب اورمزد .

از آنچه گذشت ، میتوان پی برد که فرهنگ ساسانی تا چه حد مطابق

بوده است با روح زمان ، سنت های ملی ، و نیاز های مادی و معنوی تمدن

پرتروتی که با اندام زیبا و نیرومند ، نغمه چنگ ، گل نیلوفر ، باده های

خوشگوار و خوراکیهای رنگین ترکیب کامل و هماهنگی بوجود آورده بود .

بیشبهه کریستن سن در تاریخ ساسانیان به مضمون همین کتاب پهلوی

نظر داشته که نوشته است : « در این دوره همچنانکه ذائقه را با خوراکیها و

شرابهای گوارا ، وشامه را با بوهای خوش پرورش میدادند ، گوش را با نغمه های دلانگیز موسیقی که با استادی تصنیف شده بود ، میپروراندند. « (ص ۵۰۳)

جالبترین بخش کتاب: با همه آنکه گفته شد ، بخصوص اشارات مربوط به موسیقی است که ارزش کتاب را تا حد يك سند منحصر بفرد بالا میبرد. چه : این اثر ، گذشته از اینکه فهرست دوازده ساز متداول ساسانی را ارائه می- دهد که برای تاریخ سازهای ایرانی بسیار ذیقیمت است ، از ۱۸ اصطلاح مربوط به رامشگری ، نام میبرد که از رازهای مجهول نقوش بازمانده دوره ساسانی پرده بر میدارد و در نتیجه ، افق تازه و وسیعی برای تحقیق در موسیقی ایرانی میکشاید.

اما متأسفانه باید گفت ، بیشتر همین بخش است که با ترجمه و گزارش نادرست انوالا ، از معنی اصیل خود تهی شده ، مایه خنده آورترین لغزشها گردیده است . برای نمونه میتوان « مار بازی » را ذکر کرد که در حاشیه نوازنده «ابوآ» تفسیر شده و « کپیک بازی » که مترجم پهلوی آنرا نوازنده سازی شبیه به میمون دانسته است! (درحالیکه بشهادت تنگهای سیمین ساسانی یکی از چشمه های رامشگری مورد نظر است) و بهمین منوال تا پایان.

تأسف ما بیشتر از اینست که کریستن سن نیز در مقاله « موسیقی ساسانی »^۱ از همین منبع «مار» و «کپیک» (= میمون) و یک پرنده و چند چیز دیگر را در شمار سازهای معمول ساسانی نقل نموده است!

و باینترتیب ، کتابی که میبایست تنها منبع اصیل ما ، برای تدوین تاریخ خنیاگری باشد فقط چیستانهای تازه ای به افسانه های گذشته افزوده است.

خسرو پرویز یا خسرو قبادان؟ چنانکه پیداست خسرو قبادان یعنی خسرو پسر قباد - همان خسرو اول که لقب جاودانگی (انوشه روان) داشت. اما خلاف آنچه گفته شد ، ثعالبی در ترجمه عربی خود ، نام این خسرو را پرویز ذکر میکند و همه مندرجات متن حاضر نیز آنرا تأیید مینماید . زیرا خسروی که در حضور او از نوازندگان بیشمار و شادخوارها و کامجویها

۱ - جزء مجموعه « تمدن ایرانی » (پاریس) که در یکی از شماره های قدیم مجله موسیقی نیز ترجمه شده است و نیز « ایران در زمان ساسانیان » ص ۵۰۶

سخن میرود، طبعاً نمیتواند خسرو انوشه‌روان باشد که بگفته تاریخ از نفوذ و منزلت خنیاگران کاسته بود. وانگهی اینک با در دست داشتن موردی که از ۱۰ هزار کنیزک مشکو سخن در میان است، هیچ شبهه‌ای در شناسائی این خسرو باقی نمی ماند، زیرا آشکارا، این همان خسرو پرویز است که بگفته تاریخ طبری ده هزار کنیزک سراینده و خواننده در حرم سرا داشته است.

بنابراین «خسرو و ریدک قبادی» نام مناسبتری برای کتاب بنظر می‌رسد و قطعاً در متن اصلی نیز چنین بوده است (نگاه به یادداشت ش ۳ متن)

چند نکته درباره اصل و ترجمه متن :

قدیمی ترین دستنویس متن حاضر که در ۱۳۲۲ م. توسط مهربان کیخسرو (MK) نوشته شده است سال ۱۸۹۷ در «متون پهلوی» جاماسب آسانا (ج ۱ بمبئی) همراه با حماسه یادگار زریران و چندتکه دیگر بچاپ پیوست. ولی نخستین بار، «وست» (West) که شخصاً از روی MK بچین (استنساخ) کرده بود، در «اساس زبان شناسی ایرانی» (گایگر و کوئین) شمه‌ای درباره محتوی متن نگاشت و ظاهراً همین زمینه و راهنمای کار اساسی انوالا (جمشید مانکجی) قرار گرفت.

وی نزدیک به سه سال بر سر اینکار که رساله دکتری او در دانشکده فلسفه (= زبان و ادبیات) هایدلبرگ آلمان بود وقت خرد کرد و سرانجام مطالعات خود را با متن انتقادی همراه با آوانویسی، ترجمه یا تکلیسی، و واژه نامه و نیز ترجمه روایت ثعالبی سال ۱۹۱۷ در پاریس منتشر ساخت. گرچه پارسی فقید، بعلت خط فشرده و مقرمط پهلوی و نیز عدم آشنائی بپاره‌ای زمینه‌ها، از لغزشهای آشکار مصون نمانده است ولی حق او بعنوان پیش‌کسوت در این راه پر دست انداز همواره منظور نظر خواهد بود.

در پایان لازم است از منابع خاصی که در پیراستن متن به‌نگارنده کمک نموده است به ترتیب تقدم زمانی نام ببرم.

۱ - غرر اخبار الملوك الفرس که ابو منصور ثعالبی (۳۵۰-۴۲۹ هـ) ترجمه‌ای از روایت دیگر این داستان را در آن آورده است. این ترجمه گرچه تلخیص شده، از متن MK بیش از سه همپرسه (گفت و شنید) اضافه



تمدن ساسانی ، با مفاهیم مینوی اندام زیبا و نیرومند، نوای موسیقی ، عطر گل و نیلوفر، باده های خوشگوار و خوراکی های رنگین ترکیب شکوهمند و هماهنگی پدید آورده بود

دارد از اینقرار : بوهای بهشتی، نرمترین بسترها، خوشگوارترین آبها، و نیکوترین جامه ها ... دیگر از آن، فاقد تکه شیر کشتن ریذک است که گذشته از تازگی زبان، با طرح کتاب نیز هماهنگی ندارد. و پیداست که یک زرتشتی متعصب بمنظور نتیجه اخلاقی والقاء روح دلیری (علیرغم تجمل پرستی!) این حکایت را اضافه کرده است .

۲ - خسرو قبادان (آموزش و پرورش سال چهاردهم) ترجمه از کتاب انوالاکه درضمن آن دکتر محمد معین بخواندن چند واژه تازه موفق شدند.

۳- نکته‌ای چند درباره تصحیح خسرو قبادان (مجله دانشکده ادبیات تبریز ش ۱ - سال ۷) که در آن دکتر ماهیار نوایی در خلال يك مقاله مفصل انتقادی، حدس صائب درباره چندین واژه و جمله مبهم بکار برده و در پیراستن متن کمک شایانی کرده است.

۴- چند واژه از خسرو قبادان وريدك (مجله دانشکده ادبیات تهران ش ۲ ص ۳) : دکتر صادق کبیا به معنی درست چند واژه با شواهد متعدد از گویش‌ها اشاره نموده است. بخصوص با حدس صائب در مورد تصحیح یکی از بندها سهمی در حل مشکلات دارد.

ناگفته نباید گذاشت که با وجود همه این کوشش‌ها هنوز نکته‌های ناشناخته فراوان است که بیش از همه در بخش خنیاگری بچشم می‌خورد و تا کنون لغزشهای ناهنجاری را در یکی از معتبرترین تاریخها بیار آورده و در آینده نیز ممکن است موجب لغزشهای تازه‌تری گردد.

مقصود نویسنده در این برگردان تازه، پیراستن متن و برگرداندن ارزش تاریخی به کتاب است.

ایرج ملکی دبیر زبان و ادبیات فارسی

اردیبهشت ۱۳۴۳

ژوئیه ۱۳۴۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی